

وضعیت زنان افغانستان و روز جهانی زن

وقتی هشتم مارچ یا روز جهانی زن فرا میرسد، تعداد زیادی از هم میهنان عزیز ما، تهنیت گومیشوند و به ظاهر موضوع اکتفا میکنند. من، اگر گاهی، بالمواجه با خواهر یا خواهرانی، حلول چنین روزی را برایشان، آنهم از روی ناچاری تبریک یا تهنیت عرض میکنم، به دل احساس شرم هم مینمایم. احساس شرم از این بابت که من در واقع، مجموع، رنج و درد و حرمان، و همچنان بیکیسی ها و بی حقوقی ها ی دیرپای آنها را برایشان تبریک میگویم؛ نه آزادی و حق و عدالت را. زیرا، به اعتقاد من، تبریک یا تهنیت گفتن بخاطر چیزی که اصلاً در میان نیست، بالذات خود فریبی است.

البته من، بویژه، پیرامون حقایق تلخ مربوط به وضعیت زنان کشورم سخن میگویم. و اگر چنین است، پس باید بی پرده، منطقی و دلسوزانه سخن گفت و هیچ چیزی را پنهان نکرد. درسرزمین بلاکشیده و غم رسیده مان (افغانستان)، بخصوص در تحت زعامت سیزده ساله رییس جمهور کرزی، چه مصیبت های خونین و ننگینی نیست که در مورد زنان نمی گذرد؟ چه زنان و دختران معصوم و محرومی که با دستان کثیف و افکار کثیف ازان، تحقیر و شکنجه نشده و تجاوزهای وحشیانه جنسی برآنان تحمیل نمیگردد و بالاخره، از نعمت هستی ساقط نمیشوند؟

تجاوز جنسی در دوران دوازده ساله حاکمیت دولت حامد کرزی، نه تنها بالای زنان و دوشیزه گان افغانستان به اوج خود رسید، بلکه چنین تجاوز های جنسی بیرحمانه، حتا بالای کودکان (پسر و دختر) نیز رو به فزونی داشت و دارد. رسانه های داخل افغانستان در اخیر ماه می 2013م گزارش دادند و شما خوانند های عزیز مطلع شدید که یک کودک دوساله در شهر هرات، توسط یک مرد بیست و دو ساله مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و جان داد. آنچه بیشتر از همه مایه تأثر عمیق مردم افغانستان گردیده، این است که "شورای علما" و سایر دین پناهان کشور، نه تنها عمل تجاوز جنسی و اعمال خشونت بر زنان و کودکان را محکوم نمیکند، بلکه اختطاف انسانها و عمل نا روای انتحاری در افغانستان توسطباند های جنایتکار را نیز حرام نمیخوانند و علیه آن اعتراض بعمل نمی آورند، و اما، کلیه هم و غم

شان را آزادی مطبوعات، نمایش برنامه های تلویزیونی، طنین موسیقی، حرکات مترقیانه افراد و اشخاص و " بی حجابی " زنان تشکیل میدهد و بس.

همچنان همه بیاد دارند که در ماه جولای 2013 م، یکتعداد ملاحای صادرشده تیره اندیش در ولایت بغلان فتوا صادر کردند که " زنها نباید بدون محرم شرعی از خانه بیرون روند " ، (عین همان فتوایی که گروه طالبان در سالهای حاکمیت خویش صادر نموده و آنرا با ضرب و شتم و مجازات سنگین بالای زنان تحمیل میکردند.) همین ملا های طالب اندیش ولایت بغلان، دوکان هایی را که مواد " سیمساری " ولوازم آرایش زنانه را بفروش میرسانیدند، به حکم و صلاحیت خودشان قفل زدند. جالب این بود که گزارش تصویری این رویداد از طریق برنامه های تلویزیون داخلی نیز به نشر رسید، ولی هیچ منبع دولتی نخواست صادرکننده گان چنین فتوا های مندرآوردی، قانون شکنانه، متحجرانه و طالبی را که موجب نقض آشکار حقوق بشر و اذیت زنان و شهروندان کشور میشود، مورد بازخواست قرار دهد.

گوش و بنی بریدن، آتش زدن، حلال کردن ، لت وکوب نا جوانمردانه، فروختن زنان و دوشیزه گان، نکاح کردن های اجباری در صغارت ، بی توجهی کامل بحال زار این نسل مظلوم و محکوم، همه و همه، چنان در شهر ها و روستا های کشور مروج است که شرح و بست آن ایجاب نگارش کتاب قطوری را مینماید.

حال، آیا ضرور نیست که هموطنان گرامی ما هرگاه از روزجانی زن استقبال نموده آنرا برای زنان وطن تیریک میگویند، در عین حال، در فکر دیدن و شناختن رخ دیگر سکه که عبارت از همان واقعیت های تلخ و خونین جامعه ماست، نیز باشند ؟

رشد سرسام آور بنیادگرایی و گسترش اندیشه های متحجرطالبان، روی عوامل مختلفی که در ذیل خواهیم گفت، بحدی در سالهای زعامت حامد کرزی سریع بوده که مثلاً، علاوه از ده ها مدرسه مذهبی رجعت گرا ، که تقریباً در تمام شهرها و ولایات کشور سمارق وار سربر آوردند، مدرسه دخترانه دیگری نیز تحت نام " اشرف المدارس " در ولایت قندوز با شاخکهای دیگری در تخار و بغلان و ... ایجاد شد که دران علاوه از تدریس امور مذهبی سختگیرانه و بنیادگرایانه، به شاگردان آموزش داده میشود که " زن نباید در خارج از منزل کار کند، برگزاری مجالس سال نو، سالگرد تولد، بزرگداشت از روز معلم ، روز مادر، شنیدن صدای رادیو، تلویزیون، عکس گرفتن، نوروز و امثالهم حرام است " ، یعنی عین بر داشت سیه اندیشانه امارت طالبان

گزارشگر بی بی سی که با " مولوی عبدالخالق " و " مفتی سراج الدین " گرداننده های این مدرسه مصاحبه نموده ، آنها به خبر نگار گفتند که این مدرسه، شاخه های دیگری نیز در بغلان و تخارداشته و در نظر است نه مرکز دیگر نیز بهمین منوال در نه ولایت افغانستان تأسیس گردد.

خانم نادره گیاه مسوول امور زنان در ولایت قندوز به خبرنگار بی بی سی گفته است که " دخترانی که در این مدرسه درس میخوانند، بسیار پرخاشگر اند. دریک مراسم یا مجلس با زنان و دختران دیگر، جنگ میکنند و میگویند " تو کافر شدی " ، " چرا چادر از سرت پایین افتاد؟ " ، " چرا لباس اسلامی نیست " و یا " چرا نماز را درست یاد نداری "

برخی از فعالان جامعه مدنی در افغانستان، تفسیر و تعبیر دانش آموزان اشرف المدارس از دین را سختگیرانه ، منجمد، غیر معمول و برخلاف برداشتهای موجود از اسلام در افغانستان خواندند. اینکه چرا اجازه تأسیس چنین مراکز خطرناک از سوی دولت کرزی صادر میشود، دلیل آن نفوذ و حضور رهبران جهادی ، عناصر راست افراطی و طالب پرستان در مکانیسم دولت وی میباشد. همچنان، این سوال که مخارج گزاف این مراکز خطرناک را کدام منبع داخلی و خارجی متقبل شده و یا میشود، امید وارم خواننده های گرامی پاسخ آنرا تا کنون دریافته باشند .

و اما باید گفت که عوامل آتی دربخش رشد سرسام آور چنین آفت فکری و اجتماعی در افغانستان مؤثر بوده اند :

*موجودیت " شورای علما " بعنوان کنترل کننده اکثر بخشهای زنده گی فرهنگی و اجتماعی شهروندان افغانستان.

* نفوذ افکار و اندیشه وهابیت عربستان سعودی، اندیشه های عقبگرای دیوبندی ، سلفی و تکفیری در ذهن و ضمیر تعداد زیادی از باشندده های این سرزمین و یا ترویج همان اسلام سیاسی.

* اثرگذاری سازمانها و تشکلات مذهبی پاکستان از یکطرف و اثرات جمهوری اسلامی ایران ازسوی دیگر در درون لایه ها و نهاد های مختلف سیاسی و اجتماعی جامعه .

* حاکمیت دیرپای سنت های سختگیرانه جامعه افغانی

* تداوم جنگها، خونریزی ها و زور گویی های گروه طالبان در مناطق نفوذی و تأکید بر رعایت

دستورات مندرآوردی شان

* حضور هیولای بیسوادی که دامن اکثریت باشندده های این سر زمین را قبضه کرده است .
* حمایت مخفی و علنی " جامعه بین المللی " ، بخصوص امریکا ، انگلستان و عربستان سعودی از عناصر و تشکلات مذهبی و تولید تروریست های جنون زده بمنظور استفاده ابزاری از آنها در نقاط مورد نظر در جهان.

با عرض همین مختصر بمتابۀ مشت نمونه خروار، آرزو مندم اولتر از همه، خود زنان و دوشیزه گان افغانستان بعنوان نیروی با شعور و طلسم شکن و در قدم دوم ، مجموع مردان روشن ضمیر، حق طلب ، منصف و عادل، با ذرایع مختلف در یک جنبش رفع تبعیض و اعاده حقوق مسلم و انسانی زنان محروم کشور سهم دلسوزانه و مؤثرگیرند تا روزی فرا رسد که بتوانیم با دلهای شاد و لب های شگوفان، روز جهانی زن را برای زنان این وطن تهنیت گوئیم و شرمنده هم نباشیم . به امید چنین روزی!
(پایان)